

## پوشاک زنان در پنج دوره تاریخی پس از ورود اسلام به ایران

ساره نظری

کارشناس ارشد مطالعات زنان - حقوق زن در اسلام، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

Sarehnazari ۳۶@yahoo.com

### چکیده

با ورود اسلام به ایران حجاب وارد این کشور نشده است و بانوان ایرانی از دوران باستان به انواع گوناگون حجاب داشته اند. متاسفانه در خصوص تغییر، تحول و روند شکل ظاهری لباس در سلسله های بزرگی که پس از اسلام و پیش از روی کارآمدن دوره پهلوی در این کشور حکمرانی کرده اند، به اندازه دوران باستان تحقیقی صورت نگرفته و کمتر پژوهشی را می توان یافت که صرفاً منوط به وضع پوشاک زنان در این دوران تاریخی باشد. لذا پرسش حاضر این است که روند شکل ظاهری لباس در سلسله های بزرگی از قبیل مغول، افشاریه، زندیه، صفویه و قاجار چگونه بوده است؟ چنین به نظر می رسد که با ورود مغولان، ورود عنصری جدید که از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی با ایرانیان متفاوت بوده، تحول عظیمی در لباس پدید آمده و تا قبل از دوران قاجار و مراوده با اروپاییان تغییرات چندانی به عمل نیامده باشد. این مقاله سیر تحول لباس زنان در پنج دوره نامبرده را با توجه به نقاشی ها، عکسها، کتب و منابع معتبر بررسی می کند و از نوع مطالعات تاریخی می باشد که به سبک توصیفی، تحلیلی و کتابخانه ای صورت گرفته است. در نهایت یافته های پژوهش ضمن اثبات فرضیه، زوایای دقیق تری از موضوع را نمایان می سازد.

**واژگان کلیدی:** اسلام، ایران، پوشاک زنان، پنج سلسله تاریخی پس از اسلام

### ۱- مقدمه

یکی از راه های شناخت فرهنگ ادوار گذشته هر تمدنی، تاریخ لباس و پوشاک است. به عبارت دیگر تاریخ پوشاک هر ملت و قومی بخشی از تاریخ تمدن آن محسوب می شود که از تحولات شکل فرم لباس در زمان های دور سخن می گوید. این تحولات با دیگر تحولات تاریخی، اجتماعی و معیشتی در ارتباط هستند که می توان نیازهای زیستی را به عنوان اولین محرک در شکل دادن به پوشش و تغییر و دگرگونی در ساختار آن دانست. هم چنین در اغلب فرهنگ ها، لباس نشانه ای برای تفکیک جنسیتی و تعیین مرتبت اجتماعی بوده که به مرور با توسعه فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و شکل گیری عقاید دینی، شکل و سبک آن ارتقا یافته، طوری که به نظامی از نشانه ها در بستر یک نظام ارتباطی فرهنگی بدل گشته است. این ارزش ها ارزش هایی هستند که در حفظ و استمرار هویت جمعی جوامع نقش مهمی ایفا می کنند.

### ۲- نگاهی تاریخی به وضعیت پوشاک زنان در ایران

در هر زبانی واژه مخصوصی برای حجاب و مشتقات آن استعمال می شود؛ برای نمونه ((حجاب)) در زبان فارسی به معنای: در پرده کردن (حجب)، بازداشتن از درآمدن، رویگیری، عفاف و حیا، روپوش، روبند، نقاب و چادر و ..... آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵):

۱۰۰۷). در زبان انگلیسی هم dress به معنای ((لباس)) و ((جامه)) به کار رفته است و robe به معنای لباس بلند و گشاد (جلباب) و veil به معنای ((خمار)) و ((حجاب)) استفاده شده است (آریان پور، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲).

اگرچه حجاب با پوشش اسلامی طبق تعریفی که از حجاب در بالا شد، یکی از دستورات حکیمانه و سعادت بخش دین مبین اسلام است که از هنگام اسلام آوردن مردم ایران در دو قرن نخست هجری، توسط اهالی این سرزمین مورد پذیرش واقع شده، ولی پژوهش‌ها در این زمینه حاکی از جایگاه حجاب در ایران از زمان‌های دور می‌باشند. به عبارت دیگر پوشیدگی، از جمله شاخص‌های بارز پوشاک در فرهنگ ایران است و حتی قبل از اسلام، حجاب-هرچند که نوع آن تفاوت داشته است- در میان زنان معمول بوده است. هر چند که در ایران باستان بنا به شرایطی، سبک و اسلوب لباس همیشه خاص بوده، اما بررسی‌ها نشان می‌دهند که پوشش تمام بدن در دوره‌های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان حقیقت داشته است و هیچ‌گاه ایرانیان در برهنگی به سر نمی‌برده‌اند. برخی معتقدند این پوشش کامل، ریشه به وجود آمدن حجاب در دنیا می‌باشد تا جایی که ویل دورانت معتقد است نقش پوشش زنان در ایران باستان چنان برجسته است که می‌توان ایران را منشا اصلی پراکنده شدن حجاب در دنیا دانست. ورود اسلام نیز کمک شایانی به تکمیل پوشش زنان این سرزمین کرده است و این پژوهش درصدد است تا به طور خاص لباس زنان - چگونگی تکامل، تغییر و تحول- در پنج سلسله نامدار ایرانی پس از اسلام از جمله: مغول، افشاریه، زندیه، قاجار و صفوی را تا پیش از روی کار آمدن پهلوی بررسی کند.

قبل از ورود صنعت عکس و عکاسی در ایران که در دوره قاجار به دستور محمدشاه از روسیه و انگلیس وارد ایران شد، بایستی برای آگاهی از نوع و شکل لباس زنان به حکاک‌ها و نقوش برجسته، لوح‌ها، نقاشی‌ها و پس از ورود سفرنامه نویسان به خصوص در دوره صفوی از سفرنامه‌ها استفاده کرد، هرچند که در این میان تناقضاتی هم دیده می‌شود (به خصوص در سفرنامه‌ها). اما پس از ورود عکس و عکاسی شناخت نوع لباس زن ایرانی آسان‌تر و با سندیت بیشتری صورت می‌گیرد. در این پژوهش هم چنین سعی شده است تا توضیح هر لباس و نوع پوشش به صورت مستند ارائه گردد. هرچند که شواهد موجود بیشتر منعکس کننده پوشاک زنان طبقه بالا جامعه می‌باشد.

### ۳- پوشاک زنان ایرانی در پنج سلسله تاریخی و مهم پس از ورود اسلام و قبل از روی کار آمدن دوره

#### پهلوی

ساختار طبیعی فلات ایران در طول اعصار تاریخی آن و مرکزیتی که به دلیل داشتن پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم داشت باعث شد که این سرزمین سالیان سال در معرض یورش توسط اقوامی که دارای فرهنگ و اعتقادات ویژه خود بودند صورت می‌گرفت و شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه به وجود می‌آورد. یکی از این اقوام مغول بوده که ردپای آنان در تاریخ ایران حتی تا وضع پوشش زنان هم نمایان است. در ابتدا زنان مغول پوششی ساده و تقریباً یکسانی با مردان داشتند اما با تشکیل امپراطوری مغول و دستیابی به ثروت‌های بیکران تجملات از جمله زیورآلات به پوشاک آنان اضافه شد و تغییر و تحول اساسی در دوخت لباس ایجاد شد تا جایی که ورود کلماتی هم چون اتو و قیچی مربوط به همان دوره می‌شود. در دوره افشاریه و زندیه هم می‌توان ادعان کرد که تحول چشم‌گیری در صنعت پوشاک حاصل نشده و حتی تا حدی از تجملات آن کاسته شد. گویا کمبود مدارک و شواهد معتبر به حد کافی از این دو دوره (خصوصاً دوره افشاریه) خود نشان از ادامه همان روند قبلی در نوع پوشاک بانوان است. اما دوره صفویه که اوج قدرت ایرانیان به ویژه در زمینه هنر و معماری پس از اسلام است، ما شاهد اوج شکوه و قدرت در این عرصه هستیم و هم چنین به دلیل شکل‌گیری اولین ارتباطات ایران در اروپا، متنوع‌ترین نوع لباس از نظر شکل، نوع و جنس پارچه را زنان ایرانی به خود دیدند. این روند نو، سریع و بی‌سابقه در تاریخ پوشاک زنان ایرانی هم چنان دامه داشت تا در دوره قاجار و سفر ناصرالدین شاه قاجار به فرانسه که می‌توان تاثیر ورود سلیقه و ذائقه بیگانگان در پوشش زنان در این مسیر کنترل نشده را مشاهده کرد.

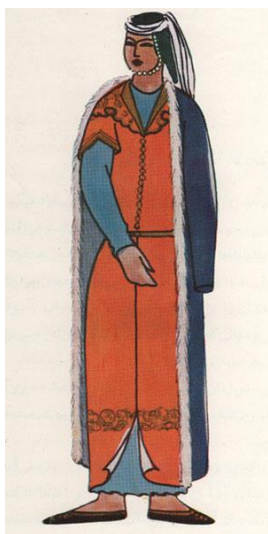
پس از این توضیح اجمالی در خصوص روند و مسیر کلی لباس بانوان، حال هر یک از این پنج سلسله را به طور جداگانه با اشاره و تاکید بر مستندات تاریخی به طور جامع بررسی خواهیم کرد.

### ۳-۱- پوشاک مغولان

با تصرف دو کشور ایران و چین توسط مغولان، روابط تجاری بین دو کشور بیشتر شد و در همان ورود هنرمندان چینی به ایران زمینه تازه ای را برای ارتباط گسترده فرهنگی و هنری بین دو کشور به وجود آورد. هنرمندان چینی که به شیوه دوران سونگ و یوان (۶۵۸ ه. ق) نقاشی می کردند، توسط مغولان به دربار ایران راه یافتند ( خزایی، ۱۳۶۸: ۱۶). مغولان، پس از آنکه در ایران استقرار یافتند، پوشاک خود را تغییر دادند، این قوم قبل از ظهور چنگیز، لباسی از پوست داشتند، اما در دوران چنگیز، مغولان از پارچه، لباس کیسه ماندی می دوختند و زنان در زیر این لباس شلوار بلند می پوشیدند، آنان این لباس را بر روی شانه راست گره می زدند و سمت چپ کاملاً آزاد بود ( راوندی، ۱۳۶۸: ۸۲).

طرز پوشاک زنان شوهردار از نوع لباس دختران متمایز بود که این تمایز بیشتر در داشتن کلاه بود و زنان نمی توانستند بدون بر سر گذاشتن کلاه در ملاءعام ظاهر شوند. زنان شوهردار در روی پیراهن خود، لباسی شبیه کیمونو می پوشیدند که بسیار گشاد بود، جلوی آن تا پایین باز و آستینها بسیار گشاد بود و تا نوک پا می رسید (بیانی، ۱۳۵۲: ۶۸).

این زنان بر روی سر چیزی از حصیر یا پوست درخت بافته شده داشتند که به اندازه ۲ آرنج بوده و بخش پایانی آن به شکل مربع است. در بالای آن میله نازکی قرار دارد که از طلا، نقره و یا چوب است و گاهی به جای آن پر مرغ می گذاشتند. این حصیر بافته از دستمال نازکی که از سر بر روی شانهها می افتد، محافظت می کند ( کارین، ۱۳۶۳: ۳۴). این طرز آرایش سر را به مغولی بوقتاق می گویند، که بعدها تا حدی تغییر شکل یافت و شبیه تاج گردید. « تصویر ۱-الف »



تصویر ۱- الف : هیئت عمومی یک بانوی قرن ۸ و ۹ هجری (منبع: طرح از کلارا آبکار از پوشاک زنان، ص ۱۶۵)

در دوران ایلخانی و تیموری، پوشش ایرانی تحت تأثیر نقاشیها و هنر چین (دوره سونگ و یوان) تحول یافت. یکی از این تحولات، نوعی دوخت بود که دوخت مغولانه نام داشت. این نوع دوخت ابتدا مختص شاهزادگان و درباریان طراحی شده بود ولی کم کم میان مردمان رواج یافت. خیاطان به تدریج دوخت لباس با قالب تن افراد را در ایران رواج دادند و حتی کلماتی مانند قیچی، الگو و اتو از جمله لغاتی است که از آن دوران معمول گردید ( غیبی، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

کلاویخو، در سفرنامه خود از یکی از ضیافت‌های رسمی سمرقند که زن بزرگ تیمور و خود او نیز شرکت داشته اند سخن می گوید و لباس زن تیمور را چنین توصیف می کند: «جامه این خانم از پرند سرخ زردوزی شده و بسیار گشاد بود و دامنی بلند داشت که به زمین می کشید، این جامه بی آستین بود، یقه پیراهن تا بالا بسته بود.....، چهره خانم با سفیدآب یا چیزی مانند آن آرایش شده بود ... بر روی سرش چیزی شبیه "خود" قرار داشت که از پارچه سرخ تهیه شده بود و در کنار آن بر روی شانه هایش افتاده بود، قسمت پشت آن بلند و با مرواریدهای گرانبها آرایش شده بود، علاوه بر این گرداگرد آن با سنگهای گرانبها و لعل و بدخشان و فیروزه و غیره تزئین شده بود. گیسوان او باز و آشفته بود و هنگام پیش رفتن حرکت می کرد، رنگ گیسوان بسیار سیاه بود، زیرا این رنگ بسیار مورد توجه است و زنها گیسوان خود را سیاه می کنند» (راوندی، ۱۳۶۸: ۸۲ و ۸۳). «تصویر ۱- ب»



تصویر ۱- ب: زن دوره تیموری سده نهم (منبع: نقاشی موجود در گالری هنری بوستون)

عمده پوشش زنان در این دوره شامل موارد زیر بود:

(الف) جبه: قبای بسیار گشاد با آستینهایی به همان شکل و بلند که قسمت بالاتنه آن از شانه چپ به طور مورب به زیر بغل راست می رود و با بندی به زیر سینه بسته می شده است. تمام بدن از گردن تا نوک پا را دربر می گرفت و یا شاید نوعی روپوش، مانتو یا شنل سراسری که آستین قبا از شکاف آن دیده می شد (غیبی، ۱۳۷۸: ۳۵۳).

(ب) قبا: یکی از اصلی ترین لباسهای زنان در این دوره است. قبا به دو شکل بوده است: یکی قبای بلند، آستین کوتاه که جلوی آن باز و گرداگرد یقه پوست دوخته می شده و گاهی بر روی شانه نیز زردوزی و قلابدوزی می کردند. این قباها با آستین کوتاه چون کت بلند یا ارخالق خودنمایی می کرد. گاه این نوع دارای آستین بلند نیز بوده است. دیگری قبای سه ربعی، آستین کوتاه، جلو بسته و با شکافی در جلو دامن با یقه افقی که اغلب پوستدوزی می شده است. این قباها گاهی جلو باز نیز بوده که با دکمه بسته می شده است و یقه آن سه گوش تا به وسط سینه می رسیده است. جنس این پوشش بیشتر از پارچه اطلس بوده است.

(ج) برقع: پارچه ای است که چهره را از نقطه مبدأ بینی می پوشاند و از اطراف و روی پیشانی به سر بند متصل می شود. از یک قطعه پارچه به شکل چهره انسان درست می شده و تا روی زانوهای آویزان می شده است. این پوشش برای هنگامی که زنان از خانه خارج می شدند، مورد استفاده قرار می گرفت و این بطوطه استفاده از آن را برای زنان در شیراز متذکر می شود (ابن بطوطه ۱۳۳۷: ۱۹۴).

تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیاریی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت

(د) روسری یا لچک: در آن دوران، انواع روسری کوچک و بزرگ با نوار یا تاجی همراه بود. ۲۲ ملکه روسری بر سر دارد که تا پایین گردن را می پوشاند. نوار دور سرش یادگار و نشانه ای از پوششهای سر در عهد باستان است و آنچه روی سر به صورت مثلث رها شده است، تازگی دارد (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۹۵).

ه) چادر: در اواخر دوره ایلخانان چادر یکی از پوشش‌های مهم محسوب می‌شد ولی در اواسط قرن ۹، زنان در بیرون خانه چادر سفید بر سر داشتند، اما در خانه بدون هیچگونه سرپوشی حرکت می‌کردند. و گاهی موها را روی سر جمع می‌کردند و گل و سنجاق زینتی به آن می‌زدند، ولی در اواخر آن قرن پوشش سر زنان به صورت کلاه ساده‌ای درآمد. (همان: ۹۷) به طور کلی، سرپوش بانوان، از عرقچین، چارقد، لچک، نوار، یک نوع روسری توری یا پارچه‌ای به شکل مخصوص تشکیل می‌شده است. عرقچین در زیر لچک و مستقیماً روی موی سر استفاده می‌شد و معمولاً به دو طرف عرقچین، دو سر یک رشته دانه‌های قیمتی که از زیر چانه می‌گذشت، وصل می‌کردند. گاه بانوان گیسوان بلند خود را به وسیله توری محافظت می‌کردند. (ضیایپور، ۱۳۴۵ : ۱۶۱ تا ۱۶۴). «تصویر ۱- پ»



تصویر ۱- پ : عمده پوشش زن در دوره مغول (منبع : جام جم آنلاین [www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir))

### ۲-۳- پوشاک دوره افشاریه و زندیه

در دوره نادرشاه افشار و خاندان او از تجملات لباس‌ها کاسته شد و جامه‌ها فرمی ساده‌تر به خود گرفتند. از خصوصیات جامه‌های این دوره کوتاه شدن دامن پیراهن‌ها (بلوز) و قبا بود و هم‌چنین فرم شلوار (تنگ یا گشاد) و جنس و تزیینات آن نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد. اما در مجموع می‌توان گفت که در دوره افشاریه، حجاب و پوشش زنان همانند دوره پیش از آن بوده و زنان با پوشش کامل و چادر در اجتماع ظاهر می‌شدند. در کتاب «عالم آرای نادری» به مواردی بر می‌خوریم که گویای این مدعاست (مروری، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۹۵۸).

پوشاک در دوره زندیه عموماً به این صورت بود که زنان پیراهن تنگی در بر می‌کردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود. یقه گرد (بدون یقه) که در وسط آن چاک‌های بوسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می‌شد. در مواقع احتیاج روی پیراهن، اغلب ارخالق (کت بلندی است که تا نصف بدن را می‌پوشاند) آستین سنبو سه یا کلیجه (کت بلندی که تا روی ران می‌رسد روی ارخالق می‌پوشیدند) آستین کوتاه می‌پوشیدند. زنان هم‌چنین در این دوره مانند مردان، شلوار گشاد و بلندی که از پارچه‌های راه‌راه که بطور مورب دوخته می‌شد به پا می‌کردند و روی آن دامن گشاد و نسبتاً بلندی می‌پوشیدند که تا وسط ساق پا می‌رسید. آنان روی سر خود توری یا پارچه زیبایی را بطور آزاد انداخته و با زیور و زینت، موهای خود را می‌آراستند. کفش آنها نعلین یا ساغری نوک برگشته بود که فقط اندکی از سر انگشتان پا در داخل آن قرار می‌گرفت. هم‌چنین از چارقد برای پوشش سر استفاده می‌کردند که گاه چارقد را در زیر چانه با جقه تزیین می‌کردند.

آنان به هنگام خروج از منزل نیز، زنان چادری به رنگ سیاه و سرمه‌ای یا رنگ‌های تیره دیگر به سر داشتند و از روبنده برای پوشاندن خود استفاده می‌کردند (ورهام، ۱۳۶۶ : ۱۶۰). «تصویر ۲»



تصویر ۲: پوشش زن در دوره زندیه

منبع: تابلو رنگ و روغن - موزه مردم شناسی تهران

منبع: کتاب ایرانی تالیف لوئی دو یو فرانسوی

### ۳-۳- پوشاک دوران صفویه

در زمان صفویه سیاحان بسیاری به ایران سفر کرده و در سیاحت نامه های خود مطالب فراوانی درباره چگونگی پوشاک زنان نوشته اند. هم چنین منابع بایگانی شده و مکتوب این دوره، نقاشی ها اسناد تصویری اواخر قرن ۱۹ م، و پوشاک به جای مانده در کنار یکدیگر ویژگی های لباس این دوره را ترسیم می کنند.

سانسون در این باره می نویسد: (( طرز لباس پوشیدن زنان در ایران با لباس پوشیدن مردها اختلاف چندانی ندارد فقط لباس خانم ها زر و زیور بیشتری داردو طبعاً درخشان تر است. زنان هیچ گونه عمامه ای بر سر نمی گذارند. پیشانی خانم ها از نواری که سه انگشت پهنا دارد، پوشیده شده است. این نوار با طلای مینا کاری شده، زینت یافته است و بر آن یاقوت و برلیان و مروارید می آویزند. خانم ها کلاه پارچه ای ظریفی که با طلا آن را حاشیه دوزی کرده اند، بر سر می گذارند و شال ظریفی را که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی شده است، دور کلاه می پیچند. قسمتی از این شال به سر تا کمرشان آویزان می شود و در وقت راه رفتن بالا و پایین می رود. به گردنشان گردنبندی مروارید می آویزند و کمربندی را که چهار انگشت عرض آن است و از ورقه های طلا پوشیده شده است، به کمر می بندند. روی ورقه های طلا قلم زنی شده است و اغلب اوقات بر روی آن جواهرات قیمتی نصب کنند. پیراهنی که در زیر می پوشند زربفت است و زمینه آن طلا یا نقره است.

روی این پیراهن یک نیم تنه زر دوزی شده، که بسیار زیبا می باشد، می پوشند. آستر نیم تنه از پوست سمور است. در زمستان نیم تنه، آستین دارد و در تابستان بدون آستین می باشد. خانم ها هرگز جوراب نمی پوشند زیرا شلواری که به پا می کنند بلند است و تا زیر قوزک پایشان را می پوشاند)) (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۲۲).

تاورنیه نیز می نویسد: (( زنان کلاه کوچکی به شکل برج به سر می گذارند و هر کس به اندازه بضاعت و شانش، کلاه خود را به جواهرات، زینت می دهد و بعضی از زیر کلاه، مقنعه ای ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند که بر حسن و زیبایی آنان می افزاید. گیسوانشان بافته و بر روی شان می ریزند. زیرشلواری هم مانند مردان می پوشند که تا پاشنه پا می رسد و کفششان با کفش مردان فرقی ندارد)) (تاورنیه، ۱۳۶۱: ۶۲۷). «تصویر ۳»



تصویر ۳: پوشش زن دوره قاجار (منبع: سفرنامه کرنی لو برن جهانگرد و مورخ هلندی)

دلواله راجع به روسری زنان در دوره شاه عباس می نویسد: «روسری زنان شبیه پارچه ای است که زنان بغداد هم به کار می بردند... رنگ روسری ها متفاوت است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می کند... چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویزان است که با حرکت سر به اطراف حرکت می کند و به علاوه دو رشته موی بلند نیز از طرفین صورتشان پایین ریخته و چهره آنان را در بر می گیرد» (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

### ۳-۴ پوشاک دوران قاجار

پوشش زنان این عصر از گزارش های سفرنامه نویسان و جهانگردانی که از ایران دیدن کرده اند بهتر می توان دریافت. گزارش جهانگردان با ریزینی و سختگیری ای ناشی از برتر دانستن لباس زنان کشور خودشان نوشته شده است و مسئله فقر و اعتقادات شخصی و مذهبی و قومی ایرانیان نادیده گرفته شده اند. به هر حال گزارش های آنان که در زمان شاهان مختلف این سلسله به ایران سفر کرده و با طبقات مختلف مردم حشر و نشر داشته اند موجب تفاوت های بسیار در نوشته هایشان شده است (حجازی، ۱۳۸۸: ۳۵۶).

کارلا سرنا می نویسد: «زنان آنان دارای هر وضع اجتماعی که باشند همه شان بدون استثنا خود را در چادرهایی به رنگ سرمه ای تند می پوشانند. شلوارهای گشاد از جلودار سبز، بنفش، خاکستری یا قرمز رنگ که مانند جوراب پاها را نیز می پوشانند و دم پایهای پاشنه دار، پوشاک یکنواخت همه زنان ایرانی است و همان قدر وضع پوشیدن لباس های سینه باز گاهی در اروپا به افراط گراییده است در تهران نیز پوشیدن لباس های بالای زانو و ساق نما میان خانم ها متداول شده است. در اندرون پوشش زن عموماً عبارت است از شلیته کوتاهی است که به زیر کمر بند می شود. از همان لباس هایی که رقاصه های ما می پوشند. هرچه دامنها کوتاه تر به همان میزان لباس پوشیدن مقبولتر است. البته دامن لباس زنان عادی و کلفتها از لباس خانمها طبقه بالا بلندتر است.»

« تصویر ۴- الف »



تصویر ۴- الف : مرد و زن شیرازی (منبع : فهرست توصیفی سفرنامه های آلمانی موجود در کتابخانه ملی ایران، سفرنامه آرمینیوس و امبری)

پوشیدن لباس زیر در میان خانمها رسم نیست ولی آنان از نوعی نیم تنه گشادی که روی سینه باز می شود و خانمهای خوش لباس از پارچه ارگانزای بدن نما برای خود می دوختند، استفاده می کردند. با چنین جامه ظریف بدن از سر تا پا لخت و عور دیده می شود چون پوشیدن جوراب هم آنچنان معمول نیست (کارلا سرنا، ۱۳۶۲: ۷۴ و ۴۳۰). «تصویر ۴- ب»



تصویر ۴- ب : انیس الدوله بانوی اول حرم و همسر ناصرالدین شاه (منبع : روزنامه اطلاعات)

خانم کولیور رایس هم از علاقه شدید زنان ایرانی به لباس های اروپایی در زمان احمدشاه حرف می زند و در کل همه را به سخره می گیرد : (( اغلب از من خواهش شده است که یک دست از آخرین لباس های لندنی خود را به خانم های اندرون امانت دهم تا آن را امتحان کنند و اگر برازنده بود آن را الگو قرار دهند)) (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۸۲).

کلودانه در شرح حجاب زنان در عصر مظفرالدین شاه می نویسد : (( ..... زن ایرانی دوست ندارد حتی چشمان خود را به کسی نشان بدهد و به همین جهت نیز جلوی چهره خویش دستمال بلند سفیدی که بالای آن مشبک است می آویزد..... بدین گونه است که شما در کوچه و بازار زنان معدودی را مشاهده می کنید که در حالی که خود را در چادر سیاه پیچیده اند و روبند سفید برچهره آویخته اند به راه خود می روند..... برخلاف آنچه ظاهر پوشیده در حجاب زنان ایرانی نشان می دهد چنین به نظر می رسد



که همین زنان در زندگی خود از آزادی زیادی برخوردارند. بیشتر آنان هر وقت دلشان بخواهد و بی آنکه کسی همراهشان باشد از خانه خارج می شوند)) (همان: ۱۳۷). «تصویر ۴-پ»



تصویر ۴- پ: زن شهری در لباس بیرون از خانه (منبع: تاریخ خانمها، بنفشه حجازی ص ۴۲۶)

در سفرنامه اولیویه این گونه آمده است که دوره آقامحمدخان (( زنان بیشتر از مردان جواهرات با خود همراه دارند. تمام تن و پیکر به انواع پیرایه های قیمتی آراسته است. بر سر جقه و بر گردن قلاده های ثمین و عصابه های (سربند) گرانبها بر جبین و سینه و رشته های مروارید درشت آبدار، حمایل کنند. کمربندهای مرصع در کمر، حلقه های انگشتری الماس و یاقوت در انگشت و دستبندهای جواهر در ساعد و ساق دارند و حاشیه تمام زر در لباس دوزند)) (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

خانم کولیور رایس در زمان احمدشاه از زینت آلات زنان گزارش می دهد: (( زنان ثروتمند جواهر بسیاری به خود می آویزند که گاه چند صد لیره سکه طلا ارزش دارد. از انواع دستبند، خلخال، گردنبند، مروارید و انگشترهای الماس یا اجناس دیگر به عنوان زینت استفاده می کنند)) (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

چیزی که در این دوره مسجل است، تاثیر سفرهای پادشاهان این دوره به خصوص ناصرالدین شاه به فرنگ و کشورهای غربی، بر نوع پوشش زنان و سلیقه آنان بوده است. تا جایی که برخی مورخان نوع پوشش زنان این دوره را به لحاظ تاریخی به سه دوره تقسیم کرده اند:

دوره اول: ابتدای دوران قاجار تا مسافرت «ناصرالدین شاه» به فرنگ: لباس زنان شامل پیراهن کوتاه بدون یقه ای بود که جلوی آن باز و دکمه های زرین و مرواریدنشان زینت بخش آن بود. معمولا پیراهن ها را شلواری گشاد مانند شلوار مردان و نیم تنه ای کوتاه به نام «ارخالق» تکمیل می کرد. بر روی آن «چاپکین» می پوشیدند که عبارت بود از پیراهن بدون یقه ای که جلوی آن باز بود و در زیر کمر، از چپ به راست دکمه می خورد. پوشش سر هم پارچه ای به شکل سه گوش که به آن «چارقد» می گفتند و از انواع آن می توان «قالبی» و «آفتاب گردانی» را نام برد. «تصویر ۴-ت»



تصویر ۴- ت: زنان دوره قاجار (دوره دوم: از مسافرت «ناصرالدین شاه» تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره مظفرالدین شاه)

دوره دوم: مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ و روسیه و دیدن بالرین‌ها که شلوار بافته‌ی چسبان و نازکی به پا می‌کردند و دامن‌های بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشیدند، شاه را بر آن داشت که زن‌های حرم خود را به پوشیدن این نوع لباس تشویق کند. او زنان حرمسرا را واداشت تا شلیته‌های کوتاه بپوشند و سر و موی خود را نیز با روسری‌های سفید ساده بپوشانند. سلیقه شاه اندک و آرام از درون حرمسرا به بیرون سرایت کرد و بسیاری از زنان و دختران خواص نیز به آن گرویدند. دوره سوم: از ابتدای دوره مظفری تا پایان دوره قاجار: در این دوره، کت و دامن و لباس به شیوه‌ی فرنگی به‌ویژه در میان زنان طبقه‌ی مرفه افزایش یافت. خانواده‌های وابسته به دربار از این نوع پوشش استفاده می‌کردند و زنان روشنفکری چون «قره‌العین» نیز بدون حجاب در جمع ظاهر می‌شدند. «تصویر ۴- ت»



تصویر ۴- ث: زن ابتدای دوره مظفری تا پایان دوره قاجار (منبع: اینترنت - سایت تبیان: [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net))

البته لباس زنان ایلاتی و روستایی در دوره قاجار به مراتب ساده‌تر و آزادتر بوده است. هدین درباره زنان روستایی که موفق به دیدن چهره شان شده می‌نویسد: (( آنها همه چیز هستند جز زیبا ..... حالات آنان خشن و رنگ و رویشان زشت و ناهنجار است. آنها می‌توانند زیبا باشند با این وصف پیر و پرچین و چروک به نظر می‌آیند و اغلب جای سیاه رنگ آبله و سایر بیماری‌های زشت‌کننده در بدن آنها دیده می‌شود. تمام سر و صورت به صورت بسته‌ای در لچک و شال‌های زشتی پیچیده شده است )) (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۳۲). «تصاویر ۴- ج»



تصویر ۴- ج: دختری از ایل شاهسون، آذربایجان  
(۱۲۷۱ق) (منبع: تاریخ خانمها، بنفشه حجازی، ص ۴۲۷)



تصویر ۴- ج: کردهای یهودی (۱۹۰۰-۱۸۸۰م)  
منبع: تاریخ خانمها، بنفشه حجازی، ص ۴۲۷

### نتیجه گیری

بدون شک بعد از خوراک، لباس یکی از ضروریات برای ادامه زندگی است. گذشته از ایجاد حجب و حیا پوشاک می تواند نشان دهنده باورهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی باشد. از این رو برای بررسی و تحقیق در زمینه های مختلف اجتماعی و شناخت بهتر زوایای تاریخی یک جامعه باید توجه شایانی به سیر تحول و دگرگونی پوشاک آن داشت. در این بین وضع پوشش و حجاب بانوان حائز اهمیت فراوانی است چرا که آنان پرورش دهنده نسل آینده، نسلی تاریخ ساز هستند، از طرفی پوشیدگی و حجاب آنان تضمین کننده سلامت یک جامعه محسوب می شود.

حجاب از دیرباز تا کنون در ایران وجود داشته است و پوشیدگی زنان ایرانی در دوران باستان قبل از ورود اسلام تحسین کننده می باشد. همان طور که گذشت پس از ورود اسلام هم این روند تکمیل پوشیدگی زنان ادامه یافت، تا قبل از سفرهای شاهان قاجاری به فرنگ، که متأسفانه می توان این دوره را سرآغاز بی حجابی در ایران دانست. از زمان مرادیه با اروپاییان و آشنایی با مد غربی، ما شاهد تغییر و تحول عظیمی در نحوه پوشش زنان که از اندرونی به قشر متوسط جامعه رسوخ پیدا کرد، هستیم. این مسئله تأثیرپذیری بانوان از نحوه لباس پوشیدن زنان غربی را می توان به وضوح از سفرنامه های سفرنامه نویسان مشهور اروپایی مشاهده کرد تا جایی که برخی از آنها اذعان کرده اند که گاهی لباس زنان به خصوص در خانه به مراتب بازتر از لباس زنان اروپایی است. هرچند زنان روستایی ایران هنوز همان نوع پوشش ساده و بی آرایش خود را حفظ کرده بودند. به طور کلی پوشش و حجاب زنان در پنج سلسله بزرگ، بعد از اسلام و پیش از روی کارآمدن دوره پهلوی که کشف حجاب به طور رسمی و قانونی ایجاد شد، را می توان بدین گونه خلاصه کرد:

- ۱- دوره مغول: قبل از ظهور چنگیز لباسی از پوست چرم / دوران چنگیز لباسی کیسه مانند و شلواری بلند / تمایز لباس دختر با زن شوهردار در داشتن کلاه / دوره ایلخانی و تیموری تحول پوشاک در اثر ورود نقاشی و هنر چینی / پوشش عمده آنان جبه، قبا، برقع، روسری یا لچک و چادر
- ۲- دوره افشاریه: کاستن از تجملات لباس در دوره نادرشاه افشار و خاندان او / کوتاه شدن پیراهن ها و قبا / اهمیت یافتن شلوار و جنس آن / ظاهر شدن زنان با پوشش کامل و چادر
- ۳- زندیه: پیراهن ها یقه گرد از جنس نخ و ابریشم / در وسط چاکي به وسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می شد / کت بلندی به نام ارخالق روی پیراهن / شلوار گشاد و بلند / روی شلوار دامن گشاد تا وسط ساق پا / روی سر توری یا پارچه زیبا / کفش نعلین یا ساغری

- ۴- صفویه : کلاه پارچه ای ظریف حاشیه دوزی شده با طلا / دور کلاه، شال گلدوزی شده تا کمر با حاشیه زیبا / جواهرات گرانها/کمر بند از ورقه طلا به اندازه چهار انگشت عرض / نیم تنه زردوزی شده با آستر از پوست سمور / شلوار بلند تا قوزک پا
- ۵- قاجار : چادر سرمه ای تیره / شلوار گشاد سبز، بنفش، خاکستری / دمپایی پاشنه دار

## منابع

## الف) کتب:

- آریان پور (۱۳۵۴). «فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی»، تهران، امیرکبیر.
- ابن بطوطه (۱۳۷۷). «سفرنامه»، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولیویه (۱۳۷۱). «تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه»، سفرنامه، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهام، تهران، اطلاعات.
- بیانی، شیرین (۱۳۵۲). «زن در ایران عصر مغول»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۱). «سفرنامه»، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، سنایی.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۸). «تاریخ خانمها - بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار»، تهران، قصیده سرا.
- خزایی، محمد (۱۳۶۸). «کیمیای نقش»، تهران، انتشارات حوزه هنری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). «لغت نامه»، زیر نظر دکتر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). «سفرنامه»، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران، علمی فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۴۷). «تاریخ اجتماعی ایران»، تهران، امیرکبیر.
- سانسون (۱۳۴۶). «سفرنامه»، ترجمه تقی فضلی، تهران، ابن سینا.
- سرنا، مادام کارلا (۱۳۶۲). «آدمها و آیینها در ایران»، سفرنامه، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۴). «تاریخچه پوشش سر در ایران»، تهران، انتشارات مدبر.
- ضیاپور، جلیل (۱۳۴۵). «پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی»، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۷۸). «هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی»، تهران، انتشارات هیرمند.
- کارپن، پلان (۱۳۶۳). «سفرنامه»، ترجمه ولی الله شادان، تهران، فرهنگسرای یساولی.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹). «زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی»، تهران، آفرینش (و) روزگار.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴). «عالم آرای نادری»، تهران، زوار، ج ۳.
- ورهام، غلامرضا (۱۳۶۶). «تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند»، تهران، معین.

## ب) مقالات:

- جعفرپور، علی و مجیدی، مهرداد (۱۳۸۵)، «وضعیت پوشاک زنان در عصر صفویه با تاکید بر سفرنامه نویسان فرنگی»، مجله مسکویه، شماره ۵، صص ۴۹ - ۶۴
- ملا ابراهیمی، عزت و بهرامیان، مسعود و زارع درنیاپی، عیسی (۱۳۸۹)، «حجاب در ایران باستان»، مجله پژوهش نامه زنان، شماره ۲، صص ۱۱۱ - ۱۲۵
- حیدری باباکمال، یداله و اسکندری، نصیر و شکری، طاهره و بهرامی نهادفر، مرتضی (۱۳۹۱)، «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده های باستان شناسی»، مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴، صص

۵۸ - ۳۹